

تصمیم‌گیری‌ها در شرایط جنگی هوشمندانه باشد



در شرایط جنگی، اقتصاد بیش از هر زمان دیگری به تصمیم‌هایی نیاز دارد که سریع، دقیق و متناسب با واقعیت‌های میدان باشند. تداوم فعالیت

بنگاه‌های تولیدی در چنین وضعیتی، تنها به تأمین مواد اولیه و منابع مالی وابسته نیست؛ بلکه چگونگی مواجهه نهادهای اجرایی با موانع اداری، مقررات پیچیده و محدودیت‌های زیرساختی نیز در آن نقش تعیین‌کننده دارد. تعدد سامانه‌های اداری، طولانی‌شدن فرآیندهای تصمیم‌گیری و رسیدگی موردی به مشکلات واحدهای صنعتی، می‌تواند توان بنگاه‌ها را در زمانی که باید بر حفظ تولید متمرکز باشند، تحلیل ببرد. در کنار این مسائل، نگرانی از محدودیت تأمین گاز صنایع در زمستان، ضرورت برنامه‌ریزی زودهنگام و هماهنگی میان دولت و بخش خصوصی را دوچندان می‌کند. در چنین شرایطی، مدیریت اقتصاد به سازوکاری نیاز دارد که هم موانع تولید را سریع‌تر برطرف کند و هم برای مخاطرات پیش‌رو، پیش از تبدیل‌شدن به بحران، راه‌حل داشته باشد.

دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت هم در این زمینه گفت: در شرایط جنگ باید تصمیم‌گیری‌ها قاطع، سریع، دقیق و هوشمندانه باشد و نمی‌توان با همان روال عادی و کند گذشته مسائل را پیش برد. آرمان خالقی در گفت‌وگو با ایرنا اظهار کرد: با توجه به تداوم شرایط جنگی در کشور، باید تصمیم‌گیری‌ها به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی با سرعت بیشتری اخذ شود تا تولیدکنندگان معطل نمانند. وی خواستار همفکری دولتمردان با بخش خصوصی برای تسهیل امور اقتصادی کشور شد و افزود: لازم است وزارتخانه‌های اقتصادی اعم از صمت، تعاون، جهادکشاورزی و اقتصاد جلسات منظمی با فسالان اقتصادی برای گره‌گشایی از بخش تولید داشته باشند. دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت عنوان کرد: امروز سامانه‌های متعددی بر کسب‌وکارها حاکم هستند و بنگاه‌ها برای انجام تکالیف خود نیاز دارند از سامانه‌های مختلف و تودرتو استفاده کنند ازاین‌رو یک بنگاه اقتصادی مجبور است افرادی را برای انجام تکالیف سامانه‌ای در اختیار داشته باشد، چراکه اگر این تکالیف انجام نشود، بنگاه با جریمه یا عدم انجام تکلیف مواجه خواهد شد. خالقی با اشاره به اینکه باید مسائل استان‌ها در ستادهای تسهیل و رفع موانع تولید رفع شود گفت: این ستادها در استان‌ها با ریاست استاندار یا معاون وی تشکیل می‌شوند و به‌صورت مصداقی مشکلات شرکت‌ها را با حضور دستگاه‌هایی مانند اداره مالیاتی و تأمین اجتماعی بررسی و در چارچوب قانون برای حل آنها توافق می‌کنند. وی افزود: این سازوکار تاکنون بسیاری از مسائل را حل کرده و کمیسیون‌ها و کمیته‌های تخصصی نیز عملکرد قابل دفاعی داشته‌اند، اما مسئله امروز گسترده‌تر است باید مجموعه‌ای از مسائل و تعداد زیادی از واحدهای تولیدی حل شود نه اینکه برای هر واحد تولیدی به‌صورت جداگانه وارد عمل شد. این فعال اقتصادی یکی از نگرانی‌های بخش تولید در ماه‌های پیش رو را محدودیت‌ها در نانواری‌ها در بخش انرژی دانست و افزود: اگر در زمستان بخشی از سوخت مورد نیاز بخش تولید تأمین نشود و مراکز صنعتی با قطع گاز مواجه شوند، بی‌تردید اثر خود را نه‌تنها بر تولید بلکه بر شاخص‌های کلان اقتصادی خواهد گذاشت. خالقی تأکید کرد: باید از هم‌اکنون برای محدودیت گاز مراکز صنعتی در فصل زمستان چاره‌جویی کرد تا شرایط با کمترین تبعات اقتصادی مدیریت شود. در نهایت اینکه، اقتصاد در شرایط جنگی با تداوم شیوه‌های معمول اداره امور، به‌سختی می‌تواند از فشارهای هم‌زمان عبور کند. حفظ تولید به تصمیم‌هایی نیاز دارد که از مرحله شناسایی مشکل فراتر بروند و در کوتاه‌ترین زمان ممکن، راه‌حل اجرایی در اختیار بنگاه‌ها قرار دهند. ساده‌سازی فرآیندهای اداری، کاهش تکالیف تکراری سامانه‌ای، تقویت هماهنگی میان وزارتخانه‌های اقتصادی و استفاده مؤثر از ظرفیت بخش خصوصی، می‌تواند بخشی از فشارهای وارد بر تولیدکنندگان را کاهش دهد. بااین‌حال، مدیریت موانع جاری به‌تنهایی کافی نیست. محدودیت احتمالی گاز صنایع در زمستان، مسئله‌ای است که باید از هم‌اکنون در دستور کار قرار گیرد تا تصمیم‌های اضطراری به کاهش گسترده تولید و تشدید پیامدهای اقتصادی منجر نشوند. همچنین، ستادهای تسهیل و رفع موانع تولید باید علاوه بر حل مشکلات بنگاه‌های منفرد، به شناسایی و رفع موانع مشترک در سطح بخش‌های صنعتی توجه کنند. به اعتقاد صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه اقتصاد و صنعت، سرعت تصمیم‌گیری زمانی ارزشمند است که با دقت، هماهنگی و پیش‌بینی پیامدها همراه باشد؛ رویکردی که می‌تواند تاب‌آوری تولید را در دوره‌های پرمخاطره تقویت کند.



شهناز صفایی
editor@smtnews.ir

وضعیت صنعت در دنیای پررقابت گزارش می‌دهد

جسارت تغییر، شرط تحول صنعت



صنعت، زمانی به موتور رشد اقتصادی تبدیل می‌شود که فراتر از افزایش ظرفیت تولید، بتواند زنجیره‌ای از سرمایه‌گذاری، یادگیری فناوریانه، ارتقای بهره‌وری و توسعه بازار را به حرکت درآورد. تجربه اقتصادهای صنعتی نشان می‌دهد که مزیت رقابتی دیگر صرفاً بر نیروی کار ارزان، حمایت دولتی یا برخورداری از منابع طبیعی استوار نیست؛ بلکه توانایی بنگاه‌ها در پیوند دادن فناوری، مهارت، زیرساخت و نیاز بازار، مسیر رشد را تعیین می‌کند. در ایران نیز با وجود ظرفیت‌های صنعتی گسترده، بخشی از منابع و توانمندی‌های موجود به دلیل ناترازی انرژی، فرسودگی تجهیزات، ضعف زنجیره تأمین و ناکارآمدی تصمیم‌گیری، به ارزش‌افزوده پایدار تبدیل نمی‌شوند. در چنین شرایطی، مسئله فقط کمبود سرمایه نیست، بلکه چگونگی انتخاب اولویت‌ها و تبدیل منابع به قابلیت‌های رقابتی اهمیت دارد. اما صنعت ایران چگونه می‌تواند از الگوهای سنتی فاصله بگیرد و در شرایط محدودیت، مسیر تازه‌ای برای رشد اقتصادی بگشاید؟

تولید صنعتی در عصر رقابت فناوریانه

در اصلاح طراحی محصول و برنامه‌ریزی تولید نقش داشته باشد. اهمیت این تحول فقط در افزایش بهره‌وری یک کارخانه نیست. توسعه تولید هوشمند به مجموعه‌ای از قابلیت‌های مکمل، از الکترونیک و حسگرها تا رباتیک، نرم‌افزار، اتوماسیون و خدمات مهندسی، وابسته است. بنابراین، سرمایه‌گذاری در تولید پیشرفته می‌تواند به توسعه چندین فعالیت صنعتی دیگر نیز منجر شود و زمینه شکل‌گیری خوشه‌های فناوریانه را فراهم کند.

مزیت آینده در پیوند فناوری و بازار

در رقابت جهانی، به‌ویژه در برابر تولیدکنندگانی که توان بالایی در مقیاس‌گیری و ارتقای فناوری دارند، تقلید از ظرفیت‌های موجود با افزایش تعداد کارخانه‌ها تضمین‌کننده موفقیت نیست. بنگاه‌ها باید مشخص کنند کدام قابلیت فنی برای مشتری ارزش ایجاد می‌کند، چگونه می‌توان این ارزش را به درآمد پایدار تبدیل کرد و چه ترکیبی از محصول، خدمات پس از فروش و همکاری‌های راهبردی می‌تواند جایگاه آن‌ها را در بازار تقویت

تولید صنعتی در دهه‌های گذشته یکی از پایه‌های اصلی رشد اقتصادی کشورها بوده است؛ اما تحولات فناوری، شیوه رقابت در این حوزه را تغییر داده است. در گذشته، برخورداری از نیروی کار ارزان، دسترسی به مواد اولیه و حمایت دولت می‌توانست بخشی از مزیت تولیدکنندگان را توضیح دهد. امروز، این عوامل به‌تنهایی برای حفظ جایگاه در بازارهای رقابتی کافی نیستند. تولیدکنندگان باید بتوانند فناوری، داده، مهارت، تجهیزات و شبکه تأمین را در قالب سامانه‌ای هماهنگ به کار گیرند.

تولید هوشمند نمونه‌ای از این تحول است. در این الگو، حسگرها اطلاعات لحظه‌ای خطوط تولید و تجهیزات را جمع‌آوری می‌کنند، سامانه‌های ارتباطی داده‌ها را میان ماشین‌ها و بخش‌های مختلف جابه‌جا می‌کنند و ابزارهای تحلیلی، زمینه تصمیم‌گیری دقیق‌تر را فراهم می‌آورند. نتیجه می‌تواند کاهش ضایعات، افزایش کیفیت، پیش‌بینی خرابی تجهیزات و کاهش زمان توقف تولید باشد. همچنین، اطلاعات بازار و رفتار مصرف‌کنندگان می‌تواند

موتور رشد، فراتر از افزایش تولید

مسئله صنعت ایران است، اظهار کرد: چالش اساسی، توان تبدیل منابع به خروجی اقتصادی است. ممکن است اعتبارات، تجهیزات و نیروی انسانی وجود داشته باشند، اما ناترازی انرژی، فرسودگی فناوری، ضعف زنجیره تأمین، طولانی‌شدن پروژه‌ها یا نبود تقاضای کافی، مانع تبدیل این ظرفیت‌ها به تولید قابل‌فروش شود. در چنین شرایطی، تزریق منابع بیشتر به همان ساختار لزوماً نتیجه مطلوبی ندارد. میرزایی‌سیسان خاطرنشان کرد: در کوتاه‌مدت، رفع گلوگاه‌ها و فعال‌سازی ظرفیت‌های موجود باید در اولویت قرار گیرد. اگر یک واحد صنعتی به دلیل محدودیت انرژی یا کمبود نهاده با بخشی از توان خود فعالیت می‌کند، ایجاد ظرفیت مشابه بدون حل مشکل موجود، ممکن است منابع را هدر دهد. در مرحله بعد، سرمایه‌گذاری تازه باید بر حلقه‌هایی متمرکز شود که مانع تبدیل دانش و توان فنی به محصول رقابتی هستند؛ از توسعه واحدهای آزمایشی و مهندسی فرایند تا تأیید استانداردها و ایجاد نخستین خطوط تجاری. وی با اشاره به نقش فناوری‌های نوین ادامه داد: نوآوری تنها به اختراع یا تولید دانش جدید محدود نیست. مهم‌تر آن است که دستاوردهای فناوریانه به بهبود قابل‌اندازه‌گیری در کیفیت، هزینه، بهره‌وری و فروش منجر شوند. افزایش شمار پژوهش‌ها یا توسعه فناوری‌های جدید، بدون وجود مسیر روشن برای تجاری‌سازی، ممکن است فاصله میان دانش و ارزش آفرینی صنعتی را حفظ کند. در الگوی سنتی صنعت، کارخانه را با اقلی بیست تا سی‌ساله طراحی می‌کردند؛ زیرا چرخه‌های نوآوری طولانی‌تر بود و می‌شد بر تداوم شیوه‌های تولید برای سال‌های متمادی حساب کرد. امروز این منطق دیگر به‌تنهایی پاسخ‌گو نیست. ساختمان‌ها و زیرساخت‌های صنعتی همچنان برای چند دهه بهره‌برداری ساخته می‌شوند، اما فناوری‌ها، خطوط تولید، محصولات و حتی مهارت‌های موردنیاز نیروی کار با سرعتی بسیار بیشتر تغییر می‌کنند. به بیان دیگر، اجزای یک مجموعه صنعتی دیگر با آهنگی یکسان تحول نمی‌یابند. زیرساخت‌ها هنوز طول عمر بیشتری از فناوری دارند، اما الزامات تولید پیوسته در گروگن می‌شوند. پژوهشگر حوزه صنعت افزود: توانایی مدیریت این ناهم‌زمانی، یکی از عوامل تعیین‌کننده آینده صنعت خواهد بود؛ قابلیت‌هایی که نشانده‌ای آن را می‌توان در تحولات صنعتی چین دید. صنعت چین با بازآرایی ظرفیت‌های تولید و سازگارکردن زیرساخت‌ها موجود با نیازهای تازه، الگویی قابل‌تأمل پیش روی جهان گذاشته و رقبای غربی را به چالش کشیده است. از این منظر، چالش کشیده شدن غرب توسط شرق را نمی‌توان به محدودیت دانش و فناوری غربی‌ها دانست. این کندی در پذیرش شرایط تازه و تغییر شیوه‌های سازمان‌دهی صنعت با فناوری‌های جدید بود که غربی‌ها در آن ضعیف بودند. وی ادامه داد: در چنین فضایی، برندگان آینده صنعت بنگاه‌هایی خواهند بود که انعطاف‌پذیری را به قابلیت مستمر تبدیل کنند. یعنی هم در بازطراحی کارخانه‌ها و فرایندهای تولید، هم در توسعه مهارت‌های نیروی انسانی و هم در



بازتنظیم ساختار مالی و شیوه‌های تأمین سرمایه. مزیت رقابتی دیگر فقط در اختیار داشتن تجهیزات پیشرفته نیست. توانایی تغییر به‌موقع تجهیزات، سازمان و الگوی سرمایه‌گذاری نیز به همان اندازه اهمیت می‌یابد. میرزایی‌سیسان

خاطرنشان کرد: این تحولات می‌تواند نقش بخش خصوصی را در سرمایه‌گذاری صنعتی پررنگ‌تر کند. به‌ویژه آنجا که بنگاه‌های خصوصی از استقلال تصمیم‌گیری، تنوع ایده‌ها و امکان تخصیص سریع‌تر منابع برخوردارند. البته چابکی صرفاً محصول مالکیت خصوصی نیست و به کیفیت مدیریت، فضای رقابت و قواعد نهادی نیز بستگی دارد. بااین‌حال، در کشورهای درحال‌توسعه‌ای که نهادهای بنگاه‌های دولتی با محدودیت‌های مدیریتی و فرایندهای طولانی تصمیم‌گیری روبه‌رو هستند، این موضوع اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. فراهم‌کردن میدان فعالیت مالی و تجاری برای بخش خصوصی در صنعت می‌تواند اهمیت بیشتری پیدا کند. این پژوهشگر حوزه صنعت، انرژی را یکی از پیش‌شرط‌های اساسی رشد دانست و افزود: هیچ صنعتی بدون دسترسی پایدار به انرژی نمی‌تواند در بلندمدت رقابت‌پذیر باشد. در کوتاه‌مدت، بهینه‌سازی مصرف، بازسازی تجهیزات و کاهش توقف تولید اهمیت دارد و در بلندمدت باید توسعه شبکه، تنوع‌بخشی به منابع و ارتقای قابلیت بهره‌برداری از زیرساخت‌ها دنبال شود. سرمایه‌گذاری در این حوزه، در صورت پیوند با تولید تجهیزات منتخب، ابزار دقیق، نرم‌افزار و خدمات مهندسی، می‌تواند علاوه بر رفع گلوگاه تولید، به ایجاد تقاضای صنعتی نیز کمک کند. میرزایی‌سیسان با اشاره به ضرورت تمرکز منابع بر اولویت‌های مشخص تأکید کرد: حمایت صنعتی باید هدفمند، مرحله‌ای و قابل ارزیابی باشد. حمایت نامحدود از بنگاه‌هایی که در کیفیت، هزینه و فناوری پیشرفت نمی‌کنند، ظرفیت‌های تکراری در شرایط بلااستفاده ماندن تجهیزات موجود و پروژه‌های پژوهشی فاقد مسیر معتبر تجاری‌سازی، نباید در اولویت حمایت رشدمحور قرار گیرند. البته خروج یک فعالیت از این نوع حمایت به معنای انبساط گرفتن اهمیت آن برای امنیت، سلامت یا تأمین نیازهای ضروری نیست. وی در پایان خاطرنشان کرد: صنعت ایران زمانی می‌تواند به موتور رشد اقتصادی تبدیل شود که مدیران و سیاست‌گذاران از نگاه سنتی به افزایش ظرفیت و تزریق منابع فاصله بگیرند و ارزش آفرینی را در مرکز تصمیم‌گیری قرار دهند. پیوند میان فناوری، نیروی انسانی ماهر، زیرساخت، همکاری‌های راهبردی و بازار باید به یک الگوی عملیاتی منسجم تبدیل شود. معیار موفقیت نیز نه صرفاً میزان سرمایه‌گذاری یا حجم تولید، بلکه توان ایجاد مزیت رقابتی پایدار، توسعه بازار و تداوم رشد در شرایط متغیر اقتصادی خواهد بود.

سخن پایانی

رفع ناترازی انرژی، نوسازی تجهیزات، توسعه مهارت‌ها و تقویت زنجیره‌های مکمل اهمیت ویژه‌ای دارد. صنعت ایران برای حضور مؤثر در اقتصاد جهانی، بیش از افزایش صرف ظرفیت‌ها به توانایی تبدیل دانش و منابع به ارزش اقتصادی نیاز دارد. موتور رشد واقعی زمانی شکل می‌گیرد که بنگاه‌ها بتوانند به‌طور مستمر یاد بگیرند، کیفیت را ارتقا دهند، هزینه‌ها را کنترل کنند و بازارهای تازه‌ای به دست آورند. چنین مسیری، رشد صنعتی را از یک هدف آماري توان رقابتی تبدیل شود؛ ابزاری که نتایج آن باشد و در صورت ناکامی، امکان اصلاح یا توقف آن وجود داشته باشد. در این مسیر،

آینده رشد اقتصادی ایران تا اندازه زیادی به چگونگی بازتعریف رابطه میان صنعت، فناوری و سیاست‌گذاری وابسته است. برخورداری از ظرفیت تولید، نیروی انسانی متخصص و منابع طبیعی، فرصت‌های مهمی ایجاد می‌کند؛ اما این مزیت‌ها زمانی به رشد پایدار منتهی می‌شوند که در قالب یک نظام منسجم از سرمایه‌گذاری، بهره‌وری و توسعه بازار به کار گرفته شوند. حمایت دولتی نیز باید از یک امتیاز دائمی به ابزاری هدفمند برای ارتقای توان رقابتی تبدیل شود؛ ابزاری که نتایج آن باشد و در صورت ناکامی، امکان اصلاح یا توقف آن وجود داشته باشد. در این مسیر،



تحول صنعتی
زمانی رقم
می‌خورد که
سرمایه‌گذاری،
فناوری، مهارت
و بازار یکدیگر
را تقویت کنند